

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: پروفیسور میشل چودوشوفسکی
برگردان: آمادور نویدی
فرستنده: عثمان حیدری
۱۶ فبروری ۲۰۱۵

تئوری توطئه چیست؟ حقیقت چیست؟

اوباما در موقعیت یک جنگ گرم است، یعنی در وضعیتی قرار گرفته که درگیر یک جنگ واقعی است، جنگی فراتر از خط و نشان کشیدن... تمدن غرب بنا به گفته ای «توسط دولت اسلامی- داعش تهدید شده» است. «جنگ جهانی علیه تروریسم» به عنوان تلاشی بشردوستانه اعلام می شود. جورج واکر بوش گفت: «ما مسئولیت داریم تا از حقوق بشر دفاع کنیم». جنگ بشردوستانه راه حل است. مردم شریک در کمین هستند. «باید به حساب آن ها برسیم». رسانه های غربی بر طبل جنگ می کوبند. دستگاه های تبلیغاتی گسترده از برنامه نظامی اوباما حمایت می کنند. یکی از اهداف مهم تبلیغات جنگی «ساخت یک دشمن جعلی» است. به گونه ای که مشروعیت سیاسی دولت اوباما متزلزل می شود، شک و تردید در ارتباط با وجود این «دشمن خارجی»، برای مثال القاعده و شبکه (مورد حمایت سیا) وابسته به آن باید بر طرف گردد. هدف آن است که از طریق گزارش های رسانه ای، و تبلیغات های تهوع آور، در آگاهی درونی مردم، به آرامی القاء شود که، مسلمانان تهدیدی برای امنیت جهان غرب هستند. جنگ بشردوستانه در چند جبهه برپا شده است: در حال حاضر روسیه، چین و خاورمیانه اهداف اصلی هستند.

بیگانه ستیزی و دستورکار نظامی

موج بیگانه ستیزی علیه مسلمانان که سراسر اروپای غربی را فرا گرفته به ژئوپولیتیک/جغرافیای سیاسی گره خورده است. این بخشی از یک برنامه نظامی است. این برنامه شامل اهریمن جلوه دادن دشمن است. کشورهای مسلمان بیش از ۶۰ درصد از کل ذخائر نفت را در مالکیت خود دارند. در مقابل، امریکا به سختی ۲ درصد از کل ذخایر نفت را دارد. منابع نفت عراق بیش از پنج برابر نفت امریکا است. (نگاه کنید به مقاله میشل چودوشوفسکی، «دشمن سازی» از مسلمانان و جنگ برای نفت، گلوبال ریسرچ، ۴ جنوری ۲۰۰۷).

سهم بزرگی از نفت جهان در سرزمین های اسلامی است. هدف جنگ به رهبری امریکا برای سرقت آن ذخائر نفتی است. و برای رسیدن به این مقصود، این کشورها: از طریق جنگ، عملیات پنهانی، بی ثباتی اقتصادی، و تغییر رژیم مورد هدف قرار گرفته اند.

تفتیش عقاید به سبک امریکایی

توافق بر ساخت برپا داشتن جنگ شبیه تفتیش عقاید اسپانیا است. لازمه اش فرمان برداری اجتماعی است، و فرایند سیاسی زیر سؤال نمی رود. در نسخه معاصر آن، تفتیش عقاید نیازمند و خواهان تسلیم شدن به مفهومی است که جنگ وسیله ای برای گسترش ارزش های غربی و دموکراسی است. فرق خوب و بد آشکار می شود. ما باید به دنبال افراد بد برویم و سرکوبشان کنیم. جنگ زمینه ای برای صلح می شود. «دروغ بزرگ» حال تبدیل به حقیقت می شود... و حقیقت به یک «تئوری توطئه» تبدیل می گردد. آن کسانی که به حقیقت متعهد هستند به عنوان «تروریست» طبقه بندی می شوند. برطبق گفته دکتر پل گریگ رابرتز (۲۰۱۱)، مفهوم تئوری توطئه «دستخوش بازتعریف عقیده جورج اورولی» شده است...

Paul Craig Roberts (2011)

ویکی پیدیای فارسی

<http://fa.wikipedia.org/wiki>

ویکی پیدیای انگلیسی

orwellian

«تئوری توطئه» دیگر به معنای رویدادی که توسط یک توطئه شرح داده شده نیست. در عوض، حال به معنای هر شرحی، یا حتی واقعییتی است، که هم سو با تعریف دولت و رسانه های خود فروخته است... به عبارت دیگر، همان گونه که حقیقت برای دولت و وزارت تبلیغات او قابل تحمل نمی شود، حقیقت به عنوان تئوری توطئه بازتعریف می گردد، که معنی آن توضیحی پوچ و مسخره است که باید نادیده بگیریم. داستان جنبه واقعی بخود می گیرید. روزنامه نگاران پژوهشگر منزوی می شوند. دولت و رسانه های خود فروخته، تجزیه و تحلیل واقعی مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تئوری توطئه خوانند، به این دلیل که توافقی را که بر مبنای دروغ است به نبرد فراخوانده اند.

حقیقت چیست

سرچشمه تهدید واقعی امنیت جهانی از اتحاد امریکا- ناتو و اسرائیل است، ولی با این حال واقعیت در یک محیط تفتیش عقاید وارونه شده است: جنگ طلبان، صلح طلب شده، قربانیان جنگ به عنوان جنگ طلب معرفی می گردند.

سرزمین مادری در خطر است

برای مثال جنگ به رهبری امریکا و ناتو که بشریت را نابود می سازند توسط رسانه ها، روشنفکران، دانشمندان و سیاستمداران، همصدا، حقیقت بازگوشده را مبهم و تاریک می کنند.

هنگامی که دروغ به حقیقت تبدیل شود راه برگشتی وجود ندارد.

زمانی که جنگ به عنوان تلاشی انسان دوستانه تأیید شد، عدالت و کل نظام حقوقی بین المللی زیر و رو شده است: صلح جوئی و جنبش ضدجنگ جرم محسوب می شود. مخالفت با جنگ اقدامی مجرمانه می شود. در همین حال، جنایتکاران جنگی در در مقامات بالا برای کسانی که قدرت و اعتبار آن ها را به نبر فراخوانده اند دستور دستگیری می دهند.

دروغ بزرگ باید برای آن چیزی که هست و چه بلایی سر مردم می آورد افشاء گردد.

کشتار بدون تبعیض زنان، مردان، و کودکان را تأیید می کند.

خانواده ها و مردم را نابود می سازد و همبستگی مردم را نسبت به هم نوعان خود از بین می برد.

مانع از ابراز همبستگی مردم با آن هائی می شود که رنج می برند. جنگ و دولت پولیسی را به عنوان تنها گزینه تأیید می کند.

هر دو ملی گرایی و انترناسوالیسم را نابود می سازد.

افشای دروغ به معنای شکست پروژه جنایتکارانه نابودی جهانی است که در آن تلاش برای سود نیروئی است که دست بالا را دارد.

این دستور کار نظامی برای کسب سود، ارزش های انسانی را نابود می کند و مردم را ناآگاهانه به جسم بی روح تبدیل می کند.

بگذارید این شرایط را عوض کنیم.

جنایت کاران جنگی را در مقامات بالا و گروه های لابی قدرت مند شرکت های بزرگ را که از آن ها حمایت می کند به نبرد فرا خوانیم.

تفتیش عقاید به سبک امریکائی را به نبرد فراخوانیم.

جنگ های صلیبی نظامی امریکا، ناتو و اسرائیل را تضعیف کنیم.

کارخانه های اسلحه سازی و پایگاه های نظامی را ببندیم.

پرسنل نظامی را به کشور برگردانیم.

کل نیروهای مسلح باید از دستورات سرپیچی کنند و از شرکت در جنگ های جنایتکارانه امتناع ورزند.

برگردانده شده از:

What is a Conspiracy Theory? What is the Truth? By Prof Michel Chossudovsky,
February 05, 2015

<http://www.globalresearch.ca/>